

# مطالعه و بررسی

## «نشریه نقد و بررسی کتاب فرزانه»

• دکتر فریدون آزاده تفرشی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

هرچند در انتخاب منابع، محتوا، سطح مطلب، اعتبار نویسنده و ناشر، مشخصات ظاهری و سایر عوامل، ملاک‌های مهمی هستند، ولی در بسیاری موارد، فقدان آگاهی مشتاقان و علاقه‌مندان به انتشارات جدید، موضوع انتخاب را دشوار می‌کند و با توجه به اینکه موضوع حق مؤلف و رعایت و احترام به حقوق پدیدآورندگان، چندان مورد عنایت و توجه نیست، سوداگری و گسترش بازار سودجویی و سرقت مطالب دیگران و انتشار این گونه منابع، شرایط را دشوارتر می‌کند.

در این اوضاع و احوال، تنها معرفی آثار مناسب و دستگاه نقد است که می‌تواند مدرسان باشد و شرایط را به نفع مصرف‌کننده اطلاعات به عنوان مشتریان فرهنگ تسهیل کند.

گسترش موضوع نقد، خودنیز مقوله‌ای است که بیش از هر چیز به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و بسترهای لازم برای چنین حرکتی نیازمند است. بدون نقد و گسترش دستگاه‌های نقد، نوعی رکود و تکرار و عادت، گریبان‌گیر هر سیستمی می‌شود. «تکرار یا عادت دام بزرگی است که در میان دو قلمرو حیوانی و انسانی آدمی قرار می‌گیرد. برهوتی است که آدمی خصوصیت بیکران‌گونی خلق و خلاقیت را کم می‌کند، عادت فاجعه‌ای است عظیم، در پنداری ثابت درمی‌مانی و به تدریج «خود» عظیم خیالت را فراموش می‌کنی. عادت به همین سبب شاید بزرگ‌ترین عارضه انسان اجتماعی، از آغاز تا ابد باشد. این عادت است که دریچه‌های خیال خلاق عقل و عشق را بر روی آدمی مسدود می‌کند و امکان گسترده کردن بیشتر سفره اندیشه را از آدمی دریغ می‌دارد». (قانع بصیری، ۱۳۷۳).

ذکر این نکته نیز لازم است، در جامعه‌ای که هنوز نظام‌های علمی و فلسفی خود را بدرستی طبقه‌بندی نکرده است و در آن مقالات، کتب و اندیشه‌های منتشره درون آن‌ها به صورت یک نظام مدون قابل دسترسی نیست، به سادگی نمی‌تواند خود را از دام تکرار



### مقدمه

گسترش منابع چاپی و غیرچاپی و انتشار انبوهی از عناوین گوناگون در تمامی حوزه‌های دانش بشری و گسترش نهادهای اجتماعی و مدنی از یک طرف و علاقه‌مندان به مطالعه و تحقیق و تأمین‌کنندگان منابع اطلاعاتی برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی از طرف دیگر، شرایطی را ایجاد نموده است که مطالعه‌کنندگان و انتخاب‌کنندگان منابع اطلاعاتی دچار نوعی سردرگمی و بلاتکلیفی می‌باشند که از میان عناوین گوناگون که در مواردی به لحاظ محتوایی نزدیک به یکدیگر هستند کدام عنوان از ویژگی‌های لازم برخوردار است، کدام کتاب، امانت را در ترجمه متون رعایت کرده و تا چه اندازه در شرح توضیح اصطلاحات و عبارات نامفهوم از زبان مبدأ به زبان مقصد تلاش کرده است، شکل ظاهری منابع، داشتن نمایه، کتاب‌شناسی و ده‌ها عاملی که می‌تواند به مطالعه‌کننده کمک کند تا در بین انبوهی از عناوین، به اطلاعات مورد نظر دسترسی پیدا کند، نیازمند منابع نقد و بررسی است. این امر برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی که تأمین‌کننده منابع اطلاعاتی برای استفاده‌کنندگان و مخاطبان خاص خود هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نشانی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان شهید حسینی  
(مدیری) شماره ۱۶  
تلفن: ۴-۸۳۱۰۲۵۳؛ دورنگار: ۸۳۱۰۲۵۵  
صندوق پستی: ۵۷۶-۱۹۶۱۵  
پست الکترونیکی:  
E-Mail: info@Farzan Publishers.com  
نشانی اینترنتی:

www.Farzanpublishers.com

در ضمن خاطر نشان کرده است که برای اعضا باشگاه کتاب  
فرزان دوشماره از نقد و بررسی کتاب فرزانه به رایگان ارسال می‌شود  
تا در صورتی که پسندیدند نسبت به اشتراک آن اقدام فرمایند.

#### و اما یادآوری بعضی نکات و پیشنهادات

- تا شماره ۵ نشریه، صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه آقای  
هوش آذرنوش است، ولی از شماره ۶ به عنوان صاحب امتیاز و  
مدیر تولید آمده است و مسؤلیت آقای علی دهباشی که تا شماره ۵  
به عنوان مدیر فنی و اجرایی بود، به عنوان همکار در بخش مقالات  
ذکر شده است و از شماره ۷ مسؤلیت‌های هرمز همایون پور به  
عنوان مدیرمسئول و سردبیر نشریه تعیین و معرفی شده است.

- بهای اشتراک نشریه تا پایان شماره دهم که هدف بررسی این  
نوشتار است ثابت مانده است. اطلاعات مربوط به نشانی،  
شماره‌های تلفن و دورنگار، صندوق پستی و پست الکترونیک و  
نشانی اینترنتی، شماره حساب و... تا شماره ۴ تغییری نکرده است  
و همان اطلاعات شماره آغازین نشریه است.

- از شماره ۵، نشانی نشریه برای مکاتبه در تهران صندوق  
پستی ۵۵۹-۱۵۸۵۵ تعیین می‌شود.

- از شماره ۶ ناگهان تغییراتی ایجاد می‌شود، از آن جمله نشانی  
بانک به تهران، بانک سپه شعبه پارک ساعی کد ۱۲۵، حساب جاری  
۷۸۳۱۸۶ به نام هرمز همایون پور و شماره تلفن جدید نشریه،  
۸۷۰۷۲۳۲ و تلفا کس: ۸۷۰۸۰۵۳ و نشانی پست الکترونیک به:  
KetabFarzan@Hotmail.com و صندوق پستی برای مکاتبه  
در تهران دوباره به شماره ۵۷۶-۱۹۶۱۵ تا شماره ۴ نشریه استفاده  
می‌شد، تغییر می‌یابند.

از شماره ۷ مجدداً تغییراتی در اطلاعات مربوط به آدرس ایجاد  
می‌شود، از آن جمله صندوق پستی برای مکاتبه در تهران شماره  
۵۵۹-۱۵۸۵۵ تعیین می‌شود که همان شماره صندوق پستی قید

و عادت برهاند و به مانند آدم کوری است که به گرد خود می‌چرخد و  
بدین ترتیب نظام ارزشی قابل قبولی برای حرکت به سمت آینده  
شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه بسترهای آن آماده و مهیا گردد که نقش  
منابع نقد و بررسی بیش از همه عوامل تأثیرگذار است.

در بین منابع نقد و بررسی موجود همچون: بخارا، نشر دانش،  
جهان کتاب، کتاب هفته و کتاب ماه در موضوعات متنوع، اخیراً  
ماهنامه آموزشی، اطلاع‌رسانی - تحلیلی در زمینه مسائل  
اجتماعی و فرهنگی با عنوان نقد و بررسی کتاب فرزانه به جمع منابع  
نقد و بررسی پیوسته است که به دست اندرکاران و همت جمعی آنها  
تبریک و آرزوی توفیق می‌کنیم. اولین شماره این نشریه در آذرماه  
۱۳۸۱ چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. این ماهنامه که در  
حال حاضر به صورت فصلی چاپ می‌شود توسط مؤسسه «نشر و  
پژوهش فرزانه» و تحت نظر هیأت تحریریه با همکاری هرمز  
همایون پور و تلاش جمعی فرهنگی، با سوابق علمی و مطالعاتی  
منتشر می‌شود که در صفحات آتی به معرفی و بررسی ده شماره آن  
می‌پردازیم.

#### معرفی کوتاه نشریه

در اولین شماره نشریه آمده است که این نشریه با عنوان:

نقد و بررسی کتاب فرزانه؛ ماهنامه آموزشی، اطلاع‌رسانی،  
تحلیلی در زمینه مسائل اجتماعی، فرهنگی است که فعلاً هر سه ماه  
یکبار چاپ می‌شود.

#### • نقد و بررسی کتاب فرزانه

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: هوش آذرنوش

• مدیر فنی و اجرایی: علی دهباشی

• مدیر داخلی و تحریری: فریبا نیک‌زاد با همکاری لیلا نیک‌زاد

#### • وسهیلار فیعی

• طراح روی جلد و عنوان‌ها: فرشید مثقالی

• ناشر: مؤسسه نشر و پژوهش فرزانه روز

تحت نظر هیأت تحریریه (هیأت تحریریه این مجله هر چند  
نام آن‌ها در صفحات آغازین نیامده است، ولی در شماره ۷ صفحه ۸  
نامی از آنها ذکر شده است که عبارت‌اند از: مرتضی کاخی، پرویز  
اتابکی، جمشید ارجمند، سیروس پرهام، ایرج علی‌آبادی).

با همکاری هرمز همایون پور که مطالب آغازین ده شماره مورد  
بررسی توسط ایشان و با اختصار ه.ه. نوشته شده است.

شده در شماره ۵ است و کد بانکی تغییر می‌یابد که این تغییر ظاهراً اشتباهی در شماره کد بانک سپه شعبه پارک ساعی است که در شماره ۶ نشریه کد بانکی، ۱۲۵ بود با همان شماره حساب و بانک ولی در شماره ۷ نشریه ناگهان کد بانکی در همان بانک و همان شعبه از ۱۲۵ به ۱۲۳۵ تغییر می‌یابد و تا شماره ۸ همان ۱۲۳۵ است، ولی دوباره در شماره‌های ۹ و ۱۰ نشریه، کد بانکی با همان مشخصات بانک و شعبه به ۱۲۵ تغییر می‌یابد. از دست اندرکاران نشریه وزین نقد و بررسی کتاب فرزاد انتظار می‌رود نسبت به اصلاح و اعلام صحیح و درست این اطلاعات برای جلوگیری از سردرگمی مشترکان و مشتاقان اقدام فرمایند. هر چند اطلاعات آخرین شماره گواه صحت و درستی اطلاعات است، ولی حتی اندک تغییراتی می‌تواند برای علاقه‌مندان، جای سؤال باشد.

این نشریه از بخش‌های مختلف تشکیل شده و در عین حال بعد از چاپ شماره‌های آغازین و بنا بر نیاز خوانندگان و جایگاه مجله، بخش‌های دیگری اضافه شده است که به اختصار بیان می‌شود:

– شماره ۱، حاوی بخش‌هایی چون: مقالات، شعر، معرفی کتاب‌های خارجی و داخلی، در این دنیای بزرگ، نیازمندی‌های فرهنگی.

– از شماره ۲ بخش نظرخواهی (طرح ۲ سؤال در مورد ادغام کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی و چگونگی نحوه مدیریت بر این ۲ سازمان در شماره اول نشریه و دریافت پاسخ از صاحب‌نظران و کارشناسان مطرح شده بود) در مورد ادغام این دو سازمان مطرح که بعد از طرح و جمع‌بندی نظرات کارشناسی، نتایج آن در شماره‌های ۲ تا ۵ نشریه درج شده است و دیگر از این بخش تا شماره ۱۰ که مورد بررسی قرار گرفته است، مطلبی مشاهده نشده است.

خاطرات فرهنگی، وقس علی هذا، آینه چون... و نامه‌ها نیز در این شماره به سایر بخش‌های قبلی اضافه شده است که هر کدام در جایگاه خود حاوی اطلاعات سودمندی به خوانندگان ارائه می‌کند. – از شماره ۳، بخش بالندگان به سایر بخش‌ها اضافه می‌شود که علت آن را در مطالب آغازین بیان می‌کند.

– از شماره ۵، بخش بینابین که حاوی اطلاعات کوتاه و مختصر و مستقل است با خطی متفاوت از متن و در بین مطالب نشریه آمده است و هم‌چنین بخش داستان از این شماره به سایر بخش‌ها اضافه شده است.

– از شماره ۶، بخش ویژه مورد توجه دست‌اندرکاران نشریه قرار گرفته است که به صورت ویژه‌نامه همراه با متن می‌آید، ولی نه، در همه شماره‌ها که اولین ویژه‌نامه با عنوان ادوارد سعید در شماره ۶ و

ویژه‌نامه شماره ۷ اختصاص به احمدشاملو و در شماره‌های ۹ و ۱۰ ویژه‌نامه‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی» به بخش‌های دیگر اضافه شده است.

– از شماره ۹، بخش پرونده که حاوی اطلاعاتی در مورد اسناد و مدارک و نقد و معرفی کتاب‌هایی است که در این حوزه چاپ و منتشر می‌شوند و یا به نوعی مطالب آن‌ها قابل تحلیل و درج در این بخش است. هم‌چنین بخشی با عنوان «نام بعضی نفرات» با اقتباس از شعر نیما اختصاص به یادرفتنگان و ماندگان دارد.

– لوگوی مجله از اولین شماره تغییر نکرده است و در عین سادگی، دارای جذابیت خاصی است به ویژه تصاویر کاریکاتورهایی که به مناسبت محتوای مجله در روی جلد آمده است جالب توجه است.

– در شماره اول اثری از تبلیغات تجاری به چشم نمی‌خورد، مگر تبلیغ تازه‌های نشر، ولی از شماره دوم در کنار تبلیغات فرهنگی، اولین تبلیغ تجاری نمایان می‌شود.

هر چند شرایط سنگین چاپ و انتشار مجله بستگی به توانایی مالی دارد، ولی شایسته است که تأکید بر تبلیغات فرهنگی و محصولات فرهنگی و اطلاع‌رسانی و صنعت نشر در اولویت قرار گیرد و اگر در مورد چاپ آگهی تبلیغاتی به گونه‌ای عمل شود که جایگاه تبلیغات فرهنگی و محصولات آن‌ها کم‌رنگ شود شاید تا حدودی از اهداف واقعی نشریه فاصله افتد.

#### محتوای نشریه

در مورد محتوای مطالب نشریه در طول ۱۰ شماره مورد بررسی و مطالعه، نظرات دست‌اندرکاران بر این بوده است که این نشریه، صرفاً به نقد و بررسی کتاب نمی‌پردازد و در کنار این وظیفه خطیر فرهنگی، قصد دارد مطالب فرهنگی و مقالات در خور را نیز برای مشتاقان و علاقه‌مندان تهیه، گردآوری و چاپ کند. به همین جهت سمت و سوی نشریه با افزایش بخش‌هایی که در ده شماره آن آمده و قبلاً به آن‌ها اشاره شد، از جمله تأمین‌کننده این اهداف و نظرات است.

از طرفی هر چند بعضی از خوانندگان و منتقدان نشریه، درخواست داشتند که این نشریه با توجه به عنوان آن، صرفاً به نقد و بررسی منابع بپردازد، در نظرخواهی صورت گرفته از طرف نشریه، تمایل بخشی از مخاطبان نیز، ناظر بر تنوع مطالب نشریه است و تاکنون نیز در همین راستا گام برداشته است و سعی وافر برای تحقق آن نیز انجام داده است. ارسال نامه‌های تشکر آمیز، همراه با نقد و

کپی برداری و سرهم کردن مطالب این و آن به چشم می خورد، کار را مشکل تر می کند که با تعداد اندک نشریات نقد و بررسی نمی توان پاسخگوی نیازهای متنوع علاقه مندان و مشتاقان بود. بجاست که دست اندرکاران حوزه نشر، متولیان امور فرهنگی به خصوص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و هم چنین اتحادیه ناشران و کتابفروشان، هشدارهای لازم را به هر نحو ممکن به سودجویان یادآور شوند و از طرفی فقدان پای بندی به قانون کپی رایت و حقوق پدیدآورندگان، خود موجب گسترش فعالیت های تکراری و کپی برداری می شود که در آینده یکی از مشکلات جدی فرهنگی خواهد شد که کار از حوزه نقد و بررسی خارج و به یک معضل جدی فرهنگی تبدیل می شود.

از طرفی اخیراً ارتقای شغلی محققان و پژوهشگران در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی موجب شده است که به هر ترتیب، مقاله و یا کتابی در رشته تخصصی با تیراژ بسیار محدود با ذکر نام ذینفع چاپ شود، در صورتی که محتوای این گونه منابع چندان در کمیته های ارتقا مورد توجه قرار نمی گیرد. این شرایط نیز به خودی خود، به امر کپی برداری و سرقت ادبی دامن می زند. از این رو در بین انبوه منابع چاپ شده، کار نشریات نقد و بررسی برای انتخاب منابع با ارزش و تشخیص سره از ناسره غامض تر می شود.

از این رو منابع نقد و بررسی از جمله نشریه نقد و بررسی کتاب فرزنان، همان گونه که از اسم و عنوان آن ها مشخص است قاعدتاً می باید به نقد و بررسی کتاب بپردازند و در این بازار مکاره کتاب اگر بتواند حداکثر در هر شماره (با فرض این که هم اکنون ماهانه منتشر می شود) ۲۰ عنوان کتاب را معرفی و نقد کند در سال به ۲۴۰ عنوان بالغ می شود.

از طرفی نقد و بررسی کتاب، نیازمند کارشناسان و صاحب نظران است که در حوزه های گوناگون دانش بشری دارای تجربه، دانش و مهارت باشند و از ویژگی های لازم برای نقد و بررسی برخوردار باشند و از برخورد های حذفی، تخریب شخصیت دیگران و تسویه حساب های شخصی بری و بدور باشند.

لذا برای پاسخگویی به انبوه علاقه مندان، هر چند انتشار بیشتر منابع نقد و بررسی یک ضرورت است، ولی در شرایط فعلی، شاید راه کار عملی این است که تمام نشریاتی که به نحوی در حوزه های تخصصی فعالیت دارند، بخشی از صفحات و فعالیت های خود را به نقد و بررسی متون و منابع منتشره در حوزه تخصصی خود اختصاص می دهند، چون دسترسی به افراد صاحب نظر راحت تر است.

بر اساس کتاب راهنمای مجله ها و روزنامه های ایران از

پیشنهادات، جهت بهبود وضعیت نشریه نیز نشانگر نوعی علاقه مندی به مطالب و استمرار به انتشار این نشریه است، نشریه ای که با انتشار آن، در عین حال که به تعداد منابع نقد و بررسی اضافه شده است، دسترسی به بعضی از مطالب مفید و سودمند که خوانندگان باید برای آن ها به چندین نشریه مراجعه کنند میسر شده است.

– با توجه به اینکه تعداد عناوین مجلات منتشر شده یک سال قبل از انقلاب (۱۳۵۶)، ۳۳۶ عنوان بوده است، پس از گذشت ۲۶ سال این رقم به ۱۳۸۹ عنوان مجله و روزنامه در سال ۱۳۸۱ رسیده است (پوری سلطانی، راهنمای مجله ها و روزنامه های ایران) که قطعاً تا پایان سال ۱۳۸۳ این تعداد حداقل به ۱۵۰۰ عنوان می رسد.

این بررسی بیانگر این است که حتی در سال های قبل از انقلاب نیز تعداد منابع و نشریات نقد و بررسی اندک بوده است، ولی در حال حاضر با افزایش تعداد نشریات، باز تعداد منابع نقد و بررسی پاسخگوی نیازهای اقشار مختلف جامعه برای انتخاب منابع مناسب نمی باشد که در زیر به تعدادی از این عناوین اشاره می شود:

۱. بخارا: که هر دو ماه یکبار و از سال ۱۳۷۷ با صاحب امتیازی،

مدیر مسؤولی و سردبیری آقای علی دهباشی چاپ می شود.

۲. جهان کتاب: هر دو هفته یکبار از مهر ۱۳۷۴ با صاحب امتیازی و مدیر مسؤولی طلیعه خادمیان و با سردبیری حمید دهبانی و فرخ امیرفریار

۳. نشر دانش: از سال ۱۳۵۹ توسط مرکز نشر دانشگاهی چاپ می شود که خود دستخوش تغییرات گوناگون بوده است.

۴. کتاب ماه: در هشت زمینه موضوعی (کلیات، ادبیات و فلسفه، کودکان و نوجوانان، تاریخ و جغرافیا، علوم و فنون، دین، هنر و علوم اجتماعی) که تقریباً از سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ با هدف اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب اقدام به چاپ و نقد مطالب تخصصی در حوزه های مربوطه می کند.

۵. کتاب هفته: که به صورت هفتگی از سال ۱۳۷۷ اقدام به

چاپ و انتشار تازه های نشر در تمامی حوزه های دانش می نماید و در ضمن حاوی اطلاعاتی در زمینه نقد و معرفی و مصاحبه با صاحب نظران فرهنگی و صنعت نشر است.

تعداد عناوین کتب منتشره به صورت چاپ جدید و تجدید چاپ نیز نسبت به سال های اول انقلاب بسیار بیشتر است، لذا انتخاب و گزینش منابع با ارزش در زمینه های گوناگون برای علاقه مندان و کتابخانه ها و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی مشکل می شود و در این بازار مکاره کتاب که از تولید منابع با ارزش گرفته تا سرقت ادبی،

انتشارات کتابخانه ملی ایران در نمایه موضوعی سال (۱۳۸۱)، تعداد نشریات منتشره در حوزه‌های گوناگون نشان می‌دهد که در موضوع ادبیات در حدود ۴۵ عنوان، اسلام ۵۳ عنوان، اقتصاد ۳۸ عنوان، موسیقی ۳ عنوان، هنر ۳۳ عنوان و به همین ترتیب سایر رشته‌ها و موضوعات نیز به فراخورداری مجلات و نشریات تخصصی هستند که اگر در کنار چاپ مقالات تخصصی، بخشی از فعالیت‌های خود را به معرفی و نقد آثار منتشر شده در حوزه خود نمایند، کمک بزرگی به خوانندگان و مشترکان خود خواهند کرد و یا براساس حوزه فعالیت رشته‌های گوناگون از جمله: علوم پزشکی، فنی مهندسی، هنر، ادبیات، علوم اجتماعی، علوم کشاورزی، ادیان و... هر کدام نشریات و منابع نقد و بررسی مستقلی داشته باشند که علاقه‌مندان و مشتاقان این حوزه‌ها بتوانند با مراجعه به منابع نقد و بررسی مرتبط با رشته خود، اطلاعات مورد نیاز را کسب کنند. هرچند نشریات کتاب ماه در زمینه‌های موضوعی فوق فعالیت دارند، ولی حجم انتشارات فراتر از آن است که تمامی آن‌ها مورد نقد و بررسی عالمانه قرار گیرند.

– در مورد نقد و بررسی کتاب فرزانه، هر چند عنوان نشریه بیانگر نوع فعالیت آن است، ولی با توجه به حجم انتشارات در زمینه‌های گوناگون، امکان نقد و بررسی آن‌ها توسط اندک منابع نقد و بررسی کارچندان ساده‌ای نیست. از این رو در کنار نقد و بررسی کتاب، چاپ مقالات و مطالب مرتبط جدید و نو که در سایر مجلات به ندرت می‌توان اطلاعاتی را کسب کرد، منافاتی با اهداف مجله ندارد و حتی در ارتقای سطح آگاهی علاقه‌مندان می‌تواند موثر و مفید باشد. اما اگر بتوان مقالات و مطالب مفید را همراه با نقد و بررسی کتاب انجام داد تأثیری بیشتر خواهد داشت. چنانچه در شماره ۹ نشریه به بهانه انتشار دو عنوان کتاب که در آن‌ها از سوابق رود هیرمند و روابط ایران و افغانستان و شط العرب صحبت شده بود، آقایان پرویز اتابکی و مرتضی کاخی، مطالبی را با توجه به سوابق کاری خود مطرح کرده بودند که درک موضوع را برای خواننده راحت‌تر و مطالب تاریخی جالبی را ارائه کرده بودند. در عین حال به نقد و معرفی کتاب نیز پرداخته شده بود.

– بهتر است نقد و بررسی کتاب فرزانه تا آنجا که مقدور باشد از معرفی و نقد منابع منتشره در حوزه‌های علوم و فنون و هنر خودداری کند و این فعالیت را به عهده سایر نشریات تخصصی و مرتبط واگذار کند (هرچند تاکنون این موضوع را رعایت کرده است) و صفحات نشریه را برای درج مطالب و مقالات مفید و معرفی و نقد منابع منتشره در حوزه علوم اجتماعی و انسانی اختصاص دهد و هم‌چنین

در این حوزه نیز بهتر است دست به انتخاب بزند و از چاپ مطالب تکراری که در سایر نشریات مشاهده می‌شود خودداری کند که بالندگی هر نشریه‌ای در ارائه مطالب و اطلاعات نو و سودمند است. مثلاً در صفحه ۶۹ شماره ۹ نشریه گزارشی از وضعیت کشورها در مورد شاخص توسعه انسانی در ۶ صفحه درج شده است که در بسیاری از منابع و نشریات مدیریتی و اقتصادی این گونه گزارش‌ها می‌آید و اگر علاقه‌مند به چاپ چنین اطلاعاتی هستند پیشنهاد می‌شود اطلاعاتی در مورد شاخص مطالعه، سواد، تعداد کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و وضعیت نشر و موضوعاتی از این دست اقدام کنند و بهتر است این گونه گزارش‌ها نیز همراه با نقد علمی از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و عوامل بوجود آورنده چنین شرایطی باشد.

چاپ و انتشار مطالبی در حوزه تاریخ مشروطیت و شخصیت‌ها و عوامل فرهنگی، تاریخی و سیاسی و اقتصادی به وجود آورنده چنین حرکتی اگر تکرار مطالب سایر نشریات و یا اطلاعات چاپ شده در سایر منابع باشد چندان سودمند نمی‌باشد، مگر حاوی اطلاعات و اسناد و مدارک چاپ نشده‌ای باشد که بتواند شوق خواننده را برای مطالعه تحریک کند و یا بخش تاریکی از این حرکت را روشن کند و یا تحلیل و برداشتی متفاوت از سایر منابع و شخصیت‌ها، مطرح کند.

– بسیار بجا و شایسته است که ویژه‌نامه‌های موضوعی و تخصصی توسط نشریات تخصصی تهیه و چاپ شود و منابع نقد و بررسی به وظایف خود عمل کنند، ولی اگر ویژه‌نامه‌های چاپ شده توسط کتاب فرزانه که هر از گاهی انجام می‌شود، حاوی اطلاعات تازه و مطالب را از دیدگاهی انتقادی مطرح کند که دیگران از پرداخت به آن ناتوان بوده‌اند، بیانگر توان فکری و تلاش جمعی دست اندرکاران نشر است. اما پیشنهاد می‌شود این ویژه‌نامه‌ها که بخش قابل توجهی از صفحات نشریه را به خود اختصاص می‌دهند، حاوی مطالب و موضوعات جدید و ناگفته‌ای باشد که امکان دسترسی و دستیابی به آن‌ها در سایر نشریات به هر دلیل ممکن، امکان پذیر نباشد و چاپ این گونه ویژه‌نامه‌ها، به عنوان برگ برنده‌ای در کارنامه زرین نشریه کتاب فرزانه باشد که توان پرداختن به آن‌ها را نیز دارد.

– در مورد ویژه‌نامه مندرج در شماره‌های ۹ و ۱۰ نشریه که به «برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی» اختصاص داشت با صفحه شمار مستقل از متن و در وسط نشریه آمده بود که به علت ارجاع مطالب از فهرست مندرجات، اشتباهی در بازایی مطالب ویژه‌نامه و متن

انجمن های خارجی انتشار می یافته اند و این محاسبه حکایت از آن می کند که مجله نویسی به طور آزاد (بدون وابستگی به امکانات دولتی) عجین به دشواری هایی بوده است: بی مشتری بودن، آزادی نداشتن، گران بودن چاپ، دشواری مقاله خوب یافتن و قس علی ذلک».

یاسر مقاله نخستین شماره راهنمای کتاب (۱۳۳۷) در صفحه ۳۹ شماره دوم به قلم احسان یارشاطر حاوی اطلاعات با ارزشی است که در حدود ۴۷ سال قبل، همین مشکلات فعلی و دغدغه های کنونی در حیطه نقد و بررسی مورد توجه بوده است و هم چنین با درج بخشی از سرمقاله نشریه انتقاد کتاب (۱۳۳۴) که به عنوان پایان بخش این مطالعه است شاید دربرگیرنده پیشنهادات و رهنمودهای خوبی برای دست اندرکاران حوزه نقد و از جمله نشریه خوب نقد و بررسی کتاب فرزانه باشند.

مطلب آغازین احسان یارشاطر

«در سال های اخیر جنبشی درکار رشد کتاب در کشور ما بوجود آمده است و به تعداد آثاری که سالانه انتشار می یابد بسیار افزوده شده، حتی می توان گفت در طبع و نشر کتاب نوعی مسابقه در میان ناشران درگرفته است. اما این جنبش به صورت کنونی عاری از نقص و زیان نیست. همه نوع کتاب از خوب و بد، معتبر و نامعتبر، کم غلط و پر غلط، سودمند و زیان بخش به طبع می رسد و هیچ یک نیست که در نوع خود شاهکاری قلمداد نشود. خواننده ای که می خواهد پیش از انتخاب کتاب بدانند ارزش کتاب چیست، هنوز و وسیله مطمئنی در دست ندارد تا در این بازار آشفته راهنمای او باشد... امید... است که این مجله بتواند در این آشفتگی، راهنمایی منصف و بی غرض باشد و در کنار سایر مساعی انجمن، در راه نشر فرهنگ و اصلاح انتشارات قدم مؤثری بردارد.

دشواری برآوردن این منظور بر خوانندگان تیزبین پوشیده نیست. هنوز در کشور ما آن وسعت نظر و گذشتی که به اتکای آن بتوان بی واهمه آزرده گی و خصوصت دست به انتقاد کتب زد، رواج ندارد. هم چنین اهلیت و فراغتی که در راه نقد کتاب صرف شود آسان به دست نمی آید. از این گذشته، شیوه انتقاد درست بر همه اهل فضل معلوم نیست و انصاف بی شائبه و منطقی روشن و ذوق مصفايي که در انتقاد بکار باید برد گوهری کمیاب است. از این رو مجله در سپردن راه مقصود مدعی کمال نمی تواند بود. اما می کوشد تا در حد مقدور به غرض خود وفا کند و یا در شماره نخستین نشریه انتقاد کتاب (۱۳۳۴) در اولین سرمقاله خود آورده است: «مسابقه عجیبی در کار تألیف و ترجمه و نشر کتاب شروع

بوجود آمده بود. هر چند دست اندرکاران نشریه در مطلب آغازین به آن اشاره داشتند که: «لازم به توضیح است چون مطالب بخش ویژه تا آخرین لحظه آماده و پس و پیش و تدوین و تنظیم می شود، منظور کردن شماره مسلسل با صفحات متن مجله برای آن بخش باعث زحمت و احیاناً چند بار کاری هنگام صفحه آرایی می شود...».

لذا با توجه به توضیح داده شده اگر این کار اسباب زحمت است می توان برای جلوگیری از این ابهام که در ارجاع به صفحات صورت می گیرد، بخش ویژه نامه را به صورت مستقل در پایان و بخش انتهایی نشریه آورد و این موضوع را در مطلب آغازین و یا در فهرست مندرجات توضیح داد.

– در بین مقالات ده شماره که در مجموع حاوی اطلاعات سودمند و مفیدی بود، مقاله استاد ایرج افشار با عنوان «شماره اول (سال های ۱۲۸۹-۱۳۵۷)» که اختصاص به مطالب آغازین و سرمقاله های شماره های اول ۶۵ عنوان نشریه مهم قبل از سال های ۱۳۵۷ (البته به علت محدودیت به ذکر سرمقاله های تعدادی از نشریات اشاره شده است) که عمدتاً در حوزه نقد و بررسی فعالیت داشتند، دارد حاوی مطالب با ارزشی است که پایان بخش این مطالعه، مطالبی از این مقاله است که بهترین راه کارها و پیشنهادات در آن ها نهفته است و از همه مهم تر این مطالب از فکر و اندیشه کسانی تراوش شده است که از صاحب نظران و اندیشوران این حوزه هستند که شاید یادآوری آن ها برای همه دست اندرکاران فعالیت های مطبوعاتی بخصوص در حیطه نقد و بررسی مفید و سودمند است.

استاد ایرج افشار در این مقاله که در شماره دوم صفحه ۱۵ آمده است، می گوید:

«مدیران مجله ها در شماره اول کوشیده اند که هدف مجله و نوع محتویات آن را به خواننده ای که با او آشنا نیستند و هم شناسایی به سلیقه و منظور مجله ندارد، تفهیم کنند. بعضی از آن ها از همان شماره اول بنا به سابقه ای که از مجله های پیش از خود دیده و شنیده اند باب شکایت از مشکلات کار و دشواری مربوط به جبران مخارج چاپ مجله را پیش کشیده اند و خوانندگان را به مشترک شدن و مشترک یافتن به منظور ترویج و انتشار بهتر و بیشتر و پشتوانه یابی مجله ای که معلوم نیست چه مدت دوام خواهد کرد و واقعاً برآورنده هدف های خود هست یا نیست ترغیب و دعوت کرده اند.

... فهرست مجله های نخستین فهرست مقالات فارسی دیده شد. از آن تجسس مشخص شد که بیش از دوسوم مجله های جدی ایران از زمره آن هاست که توسط ناشران دولتی و احزاب یا

اگر اکنون انقلاب اطلاعاتی همه چیز جوامع بشری را دگرگون کرده است، از دیرباز تا کوتاه زمانی پیش، این نقش عمدتاً برعهده مطبوعات (کتاب و روزنامه) بود. هنوز هم هست و شاید با ظرافت و عمقی بیشتر.

اما در داخل ایران هم الگوهای آموزنده و ارزنده داشته ایم. از آنچه اکنون داریم می گذریم، چون هستند و عمرشان دراز باد. اما چگونه می توان به این بحث وارد شد و مشخصاً از نشریاتی چون: سخن، صدف، راهنمای کتاب سخن نگفت. این ها نشریاتی بودند که وقتی هوا و فضا هم چندان روشن نبود، واسطه انتقال اندیشه های درست و منسجم و متعادل به خوانندگان خود بودند. دو سه نسل از جوانان قدیم ما دست پرورده این نشریات و بزرگانی هستند که آنها را به سختی و با تلاش و کوشش، گاه شخصی منتشر می کردند. بسیاری از آن بزرگان رفته اند و بسیاری از آنها خوشبختانه هستند. از آنها که رفته اند، گه گاه به تناسب مقالاتی نقل خواهیم کرد؛ از آنها که هستند، خاضعانه درخواست همکاری می کنیم. می خواهیم عرصه ای تقدیم کنیم که، عمدتاً در قالب همان الگوهای آشنای آنها، جایگاه عرضه افکار و قلم های توانای آنها باشد. جوان ها باید از آنها بیاموزند؛ نسلی برومند که متأسفانه گاهی شاهد بدآموزی ها به آن هستیم!

از جوانان سخن به میان آمد. سخن، صدف، راهنمای کتاب، یغما و دیگر نشریات جدی گذشته همواره از چاپ مقاله و داستان و شعر و ترجمه و نقد کتاب و مطالب فرهنگی و هنری از جوانان استقبال می کردند. بسیاری از صاحب قلم نام آور امروز، دوران جوانی و اوان پختگی و کمال خود را در آن نشریات سپری کردند؛ به واقع دست پرورده آنها هستند. ما می خواهیم، در حد امکان خود از همان مسیر گذر کنیم.

به یک معنا از بخارا جدا می شویم

اما، به معنایی دیگر همچنان با هم خواهیم بود. اول دهباشی عزیز که مدیون همکاری هایش در گذشته هستیم، همچنان با ما و در کنار ما خواهد بود. دوم، خزانه مقالات ما، همچون گذشته، مشترک خواهد بود.

و آخرین مطلب: اگر چه نام ما کتاب فرزنان است، همان طور که در گذشته دیده اید، مطالب ما به هیچ رو منحصر به کتاب های مؤسسه نشر و پژوهش فرزنان نیست. کامیابی ما در گرو آن است که آینه تمام نمای کتاب های ایرانی و خارجی باشیم و بتوانیم خوانندگان را در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی و فکری ایران و دنیا قرار دهیم».

شده است و این به علت استقبال قابل ملاحظه ای است که هم وطنان با سواد ما از کتاب و مطبوعات به عمل می آورند... غالب خوانندگان از مطبوعات انتظار دیگری دارند. آنها می خواهند که با نظریات نویسندگان و رهبران فرهنگی دنیای متمدن آشنا شوند. خوانندگان کتاب در این رهگذر انتظارات چندی از ناشران دارند و معلوم نیست در جریان این مسابقه عجیب تا چه حد انتظارات شان برآورده می شود.

کانون انتشارات نیل با احساس و وظیفه خود در قبال خوانندگان عزیز، اولاً کوشش می کند، بهترین آثار با ارزش نویسندگان و شعرا، اعم از تألیف یا ترجمه را انتخاب و منتشر کند. ثانیاً هر ماه جزوه های انتقاد کتاب را که در آن دو کتاب به طور کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و معرفی مختصری هم از سایر کتاب های تازه به عمل می آید، چاپ می کند و در دسترس خوانندگان گرامی می گذارد».

سرمقاله های سایر نشریات در مقاله شماره اول استاد افشار حاوی اطلاعات بارزشی است که مطالعه آن را به همه دست اندرکاران فعالیت های مطبوعاتی و منابع و نقد و بررسی پیشنهاد می کنم.

بار دیگر انتشار نقد و بررسی کتاب فرزنان و حضور آن را در جمع نشریات تبریک می گویم و آرزوی توفیق، پایداری، ماندگاری و بهروری و سلامت برای تمامی دست اندرکاران آن دارم.

**بررسی و مبروری کوتاه بر برخی از شماره های نشریه**  
نخستین شماره آن که در آذرماه ۱۳۸۱ و با ۵۰۰۰ شمارگان منتشر شد. مطلب آغازین آن با عنوان «سلام دوباره» می باشد که هدف از انتشار نشریه را به علاقه مندان بازگو می کند که با توجه به اهمیت آن به بخشی از مطالب اشاره می شود.

«... اکنون حدود ۴ سال است که از آشنایی ما می گذرد. خیلی تازه نیستیم. در واقع تاکنون ۲۴ شماره به پیوست مجله بخارا منتشر کرده ایم. می توانیم بگوییم که کم و بیش شناخته شده ایم، زیرا برخلاف شماره های اول که بسیار از خزانه مقالات بخارا استفاده می کردیم، بیشتر مطالب شماره های آخر از مقالات و ترجمه ها و نقدهایی بود که دوستان صاحب نظر مستقیماً برای نقد و بررسی کتاب فرزنان فرستاده بودند.

الگوی اولیه ما، که همچنان الگوی کارمان هست و خواهد بود، نشریات معتبری است که برای معرفی و نقد کتاب، همراه با مقالات سنجیده در باب امور فرهنگی و اجتماعی و اطلاع رسانی در کشورهای مختلف منتشر می شود.

در اولین شماره این نشریه، هم‌چنین با طرح سؤالاتی از علاقه‌مندان و کارشناسان فرهنگی و ملی درخواست کرده است که در مورد ادغام دو نهاد معتبر و پرسابقه فرهنگی کشور یعنی کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی ایران، نظرات خود را اعلام کنند. در ادامه مطالب شماره اول چندین مطلب توسط پژوهشگران و محققان نام‌آشنا به چشم می‌خورد. «چه کسی را چنین حقی است، تغییر و تبدیل معنای واژه‌ها»، توسط سیروس پرهام «در جست و جوی فضاهای گم‌شده»، داریوش شایگان

#### شماره دوم

در این شماره نشریه با مطلبی با عنوان «و اما بعد...» آغاز و یادآور می‌شود:

«... وقتی از استاد ایرج افشار تقاضای همکاری کردیم، مقاله‌ای عمیق نوشتند در باب شماره اول، به هیچ‌رو به فکر بلندپروازی نبوده‌ایم و نیستیم. اما می‌دانیم که حتی در این محدوده باریک نیز به همکاری صاحب‌نظران محتاجیم؛ اعم از پیر و جوان، اعم از راست‌اندیش و چپ‌اندیش و اعم از آنکه با اندیشه‌های گردانندگان کتاب فرزانه موافق باشند یا مخالف... بیش از لطف و تعارف به انتقادهای سازنده نیازمندیم. انتقادهایی که راهنمای ما قرار گیرد. ما را بسازد، ما را بهتر کند. بی‌تعارف، اگر با روزگاران سخن، راهنمای کتاب، انتقاد کتاب، نامه دانشکده، یغما و... مقایسه کنیم، می‌بینیم که سطح کیفی انتقاد کتاب در جامعه نزول کرده است. بی‌انصافی نمی‌کنیم و منکر زحمات و خدمات نشریات آبرومند و منتقدان توانایی که هم‌اکنون داریم نمی‌شویم. اما کافی نیست و سطح کار، آشکارا، به آن گستردگی و جهدشور گذشته نیست. خود ما هم به ناچار نقدهایی چاپ کرده‌ایم که بیشتر تعارف بوده است و پاس داشتن دوستی‌ها و نزدیکی‌ها. اگر گناهی باشد، شاید به راستی متوجه نشریات نباشد که هزاران محذور و گرفتاری دارند... نظریات شمارا در بخش نامه‌ها منعکس خواهیم کرد و آنچه را انتقادی تر و جدی تر باشد و با اندیشه مطرح شده در مقالات و نقدها به مبارزه برخیزد همراه با پاسخ صاحبان آثار خواهیم آورد... فکر و فرهنگ را باید تقویت کرد. سیاستمداران و سیاست‌بازان کار خود می‌کنند و بگذار بکنند. آنچه در میان مدت و درازمدت جامعه را می‌سازد، هر جامعه‌ای را، مبانی درست فکری و فرهنگی است. کتاب فرزانه به سیاست‌کاری ندارد، اما آرزومند است که موفق شود در مسیر تقویت فکری و فرهنگی جامعه گامی کوچک بردارد.

در این شماره، مقاله «شماره اول (سال‌های ۱۲۸۹-۱۳۵۷)»، ایرج افشار، مطلب ارزنده‌ای در مورد شماره‌های اول ۶۵ نشریه منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۵۷ است. با ذکر این مطلب که شماره اول معمولاً شناساننده شخصیت و نوع تفکری است که مدیر مجله و هدف و او را بدان می‌توان شناخت و البته از همان ابتدا نشان‌دهنده هویتی است که آن مجله در جریان‌های فرهنگی و ادبی قادر به حفظ آن تواند بود. هم‌چنین یادآور می‌شود که چون امکان ندارد و صفحات مجله جدید التأسیس کتاب فرزانه اجازه نمی‌دهد که در باب شماره اول این شصت و پنج مجله سخن گفته شود ناچار به طور مثال بیست و یک مجله در زمینه‌های ادبی و فرهنگی برگزیده گشت و کوشش شد از آنها که بیشتر مورد تحقیق و مراجعه بوده‌اند و در زمان نشر مورد اقبال و وسیع تری قرار داشته‌اند عبارات اصلی و اساسی نقل و به خوانندگان کنجکاو عرضه شود.

#### شماره سوم

در این شماره نقد و بررسی کتاب فرزانه با مطلبی تحت عنوان «سپس و انتظار» توسط هرمز همایون پور آغاز می‌شود، در بخشی از این سخن آغازین آمده است:

«باید اعتراف کرد که در مجموع از استقبال اهل قلم و صاحب‌نظران راضی هستیم و دلگرم شده‌ایم. علاوه بر پیام‌های شفاهی و تلفنی نامه‌های زیادی دریافت کرده‌ایم که در آنها روی هم رفته از شکل و محتوای نشریه اعلام رضایت شده است. در پاسخ آن جوانانی که با اشاره به یادداشت آغازین شماره اول پرسیده بودند که پس آن وعده‌ها چه شد؟ اعلام می‌کنیم که بر سر پیمان خود هستیم... از همین شماره بخشی ویژه را به آثار قلمی و هنری و فکری جوانان آگاه و برومند اختصاص می‌دهیم. ما به خصوص به بخش «آینه چون...» خیلی چشم امید دوخته‌ایم. انتقاد و تبادل نظر سازنده همه ما را مقاوم‌تر و بردبارتر می‌کند. چشم ما را به دنیاهای فکری دیگران باز می‌گشاید.»

در شماره سوم به وعده‌هایی که در یادداشت آغازین اولین شماره داده شده بود عنایت شد و آن اختصاص بخش ویژه جوانان با عنوان «بالندگان» است که فعالیت‌های علمی و ادبی و هنری جوانان در آن به چاپ می‌رسد.

#### شماره چهارم

انتشار این شماره هم‌زمان با سالگرد انقلاب مشروطیت است. به همین جهت مطلب آغازین با عنوان «از انقلاب مشروطیت و امثال



آن» شروع می‌شود و به تحولات فرهنگی، تاریخی و اجتماعی منطقه‌ای و جهانی که منجر به انقلاب مشروطیت در ایران شد، اشاره‌ای دارد و به خدمات محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) و نامه چاپ نشده‌ای از ایشان می‌پردازد. اظهار رضایت و خوشوقتی از توجه علاقه‌مندان و مشتاقان به بخش تبادل نظر و نامه‌ها، پایان بخش مطلب و یادداشت‌آغازین آقای هرمز همایون پور است.

#### شماره هفتم

«درباره بخش ویژه و مطالب بینابین»، مطلب آغازین این شماره است که نویسنده قصد دارد به اهمیت این بخش از همان شماره‌های نخستین اشاره‌ای داشته باشد و ایجاد «بخش ویژه» در شماره ۶ و درج ویژه‌نامه ادوارد سعید و احمد شاملو در همین شماره و تدارک سایر ویژه‌نامه‌ها تأکیدی بر این ادعا می‌باشد.

«مطالب بینابین» که مورد توجه علاقه‌مندان و مشتاقان قرار گرفته است بنا به گفته نگارنده مطلب آغازین، فکر و پیشنهاد دکتر سیمین دانشور است. وی به خالی بودن بخشی که دربرگیرنده مطالبی کوتاه که هم آگاهی‌دهنده باشد و هم انتقادی ایراد گرفته و پیشنهاداتی داده بودند که مورد قبول قرار گرفت و از شماره ۵ بخشی با عنوان «بینابین» که حاوی مطالبی کوتاه از همه چیز است که در لایه‌های متن می‌آید و حاوی اطلاعاتی مختصر و آگاهی‌دهنده و در عین حال مستقل است.

#### شماره هشتم

مطالب آغازین این شماره نیز مثل شماره‌های قبل اختصاص دارد به وضعیت نشریه و این بار با عنوان «درباره تعداد صفحات، بخش بالندگان و...» به بررسی نشریه می‌پردازد. که به بعضی از موارد آن اشاره می‌شود.

«بعضی چیزها تا عملاً تجربه نشوند، معلوم نمی‌شود چه اندازه اهمیت دارند، از آن جمله همین صحبت‌ها و درد دل کردن‌های مادر این صفحات آغازین مجله است... نمی‌دانم این گروه از خوانندگان ما را می‌توان نمونه‌ای کوچک از جامعه دانست یا نه. اگر چنین باشد، شاید بتوان این وضع را به جامعه بزرگ‌تر و به متصدیان امور تعمیم داد و متذکر اهمیت تبادل نظر صمیمانه مسوولان با مردم شد. براساس تصمیم هیأت تحریریه مقرر شد هر شماره مجله دارای ۱۵۰ صفحه باشد به جز شماره‌هایی که بخش ویژه دارد.

در مورد بخش بالندگان چنانکه از نامش هویدا است، مخصوص کسانی است که رو به شگفتن دارند و منظور ما صاحب قلم‌ان دارای

استعداد و قریحه‌ای است که به هر دلیل تاکنون فرصت و امکان نیافته‌اند آثار خود را به تمامی در نشریه‌ها و مجله‌ها چاپ کنند، از نظر ما ۳۰ ساله و ۳۵ ساله هنوز جوان است.

دکتر کاخی، بخش تازه‌ای شروع می‌کند، تحت عنوان «بعضی نفرات» ویژه یاد و بزرگداشت بعضی از بزرگان عالم هنر و ادبیات و اجتماعات. بخش کتاب‌ها و تازه‌های نشریه از جمله بخش‌های جدید این نشریه است که توسط آزاد بروجرودی تهیه می‌شود».

#### شماره نهم

«باز هم یکسال دیگر» مطالب آغازین این شماره است. توجه به خواست خوانندگان و درج نامه‌های آنها و کمک و مساعدت صاحب نظران و اهل قلم برای ماندگاری و پویایی این نشریه، موضوع کلیدی این نشریه قلمداد می‌شود که در بیشتر مطالب آغازین به چشم می‌خورد. بخش ویژه که از شماره ۶ این نشریه با مطالبی در مورد ادوارد سعید شروع شد، ظاهراً مورد توجه مشتاقان قرار گرفته است و هراس تحریریه نشریه از اینکه به جمع‌آوری و تدوین مقالات درخور موفق نشوند و هراس از اینکه صاحبان فکر و قلم و اندیشه از همکاری دریغ کنند و...

و ذکر این نکته که بخش ویژه شماره ۹ اختصاص به توسعه اقتصادی و نگرش‌های اقتصادی و اجتماعی ناظر بر این امر و شماره‌آینده به دکتر سیمین دانشور دارد و هم چنین یادآور شده‌اند که تدارک بخش‌های ویژه زیر نیز روزه پایان است: مهدی اخوان ثالث و نادر نادرپور، با همکاری دکتر مرتضی کاخی؛ در باب نقد با همکاری اکبر افسری؛ موسیقی به مدد تألیفات و همکاری دکتر محمود خوشنام و فناوری اطلاعات با همکاری مهندس کریم درویشی. بخش جدید «پرونده» در مجموعه بخش‌های نشریه نویدی بود که در مطلب آغازین به چشم می‌خورد که تحریریه امیدوار است که گه‌گاه و به تناسب اطلاعاتی از این دست در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. اولین گزارش ویژه مربوط به بخش پرونده اختصاص دارد به قرارداد ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند که توسط پرویز اتابکی معرفی و ارائه شده است و علت درج این گزارش به مناسبت انتشار کتاب‌های: خاطرات خدمت در وزارت امور خارجه، تألیف فریدون زند فرد، از انتشارات نشر آبی، و خاطرات محمود فروغی به کوشش حبیب لاجوردی از انتشارات نشر نادر است، که در آنها از سوابق رود هیرمند و روابط ایران و افغانستان و شط العرب و روابط ایران و عراق سخن به میان آمده است.